

پشت صحنه
پاکیزگی خیابان‌های منطقه ثامن
فیروزه پوشانی هستند که سه شیفت تلاش می‌کنند

کار زیر سایه آقا



عرض ارادت هنگام کار

حسن و حسین سبزه‌کار دو برادری هستند که سال‌هاست در منطقه ثامن خدمت می‌کنند. حسین آقا هفده سال از عمرش را جارو به دست گرفته و مسیر زائران را رفت و روپ کرده است. خود را خادم امام رضا^(ع) می‌داند و می‌گوید: اگر یک روز سرکار نیایم، انگار چیزی کم دارم. او بیشتر از یک سال است در قسمت ورودی صحن غدیر کار می‌کند و یکی از دلخوشی‌هایش چای خوردن در جای خانه این صحن است. درباره تقسیم بندی وظایف می‌گوید: درست است که کار در هر قسمت که باشد باید انجام شود، ولی بعضی مسیرها بهتر است، چون نزدیک امام رضا^(ع) هستیم. بعضی قسمت‌ها هم سخت‌تر است؛ مثل بازارچه حاج آقا جان. چون هم زائر زیادی از آنجا عبور می‌کند و هم کسبه زیادی دارد. حسن آقا چهار سال پس از برادرش به منطقه ثامن آمده است. هر روز صبح پیش از شروع کار رو به گنبد می‌کند، سلامی می‌دهد و از امام مهربانی‌ها برای روزی حلالش تشکر می‌کند و بعد دست به جارو می‌برد. اومی‌گوید: مسیرهای نزدیک به حرم و اطراف آن را بیشتر دوست دارم و همیشه از امام رضا^(ع) خواسته‌ام محل خدمتم طوری باشد که هنگام کار چشمم به گنبد بیفتد. تا الان هم بیشتر در حاشیه طبرسی بوده‌ام و فلکه آب و الان هم خیابان شیرازی.

نجمه موسوی کاهانی ایه روزهای آخر شهریور که نزدیک می‌شویم، شلوغی شهر را بیشتر حس می‌کنیم. اما با این حجم مسافر در خیابان‌های منتهی به حرم و حتی کوچه پس‌کوچه‌های منطقه ثامن، اثری از زیاله نیست. این خیابان‌های تمیز حاصل تلاش شبانه‌روزی ۴۷۰ نفر از نیروهای خدمات شهری و ۷۰ نفر نیروی انضباط شهری (سد معبر) در سه شیفت پی‌پی‌است تا زائران حرم رضوی خاطرهای خوش از سفر خود داشته باشند. برای گفتن خداقوت، با چند نفر از پاکبان‌های منطقه هم صحبت و چند قدمی با آن‌ها هم مسیر شدیم.

آن طور که برادران سبزه‌کار می‌گویند، پیدا کردن کیف و وسایل مردم در بین زیاله‌های گوشه خیابان زیاد اتفاق می‌افتد، آن هم وسایل زائرانی که شاید هنگام پیدا شدن وسایلشان، فرسنگ‌ها از مشهد دور شده باشند. حسن آقا تعریف می‌کند: یک بار کیف مدارک زائری را پیدا کردم که اهل چهارمحال و بختیاری بود. از روی مدارک، شماره تلفنش را برداشتم و به او زنگ زدم. از پیدا کردن مدارک ناامید شده و در مسیر برگشت نزدیکی‌های سمنان بود. دیدم مسیر زیادی رارفته است و نمی‌تواند برگردد، خودم رفتم اداره پست و مدارک را برایش ارسال کردم. سال بعد که به مشهد آمد، با من تماس گرفت و کلی تشکر کرد.

حسین آقا در ادامه صحبت‌های برادرش می‌گوید: مردم موبایلشان را زیاد جامی‌گذارند. منتظر می‌مانیم به خطشان زنگ بزنند تا به دستشان برسانیم. اما پیدا شدن طلا و پول کمتر پیش می‌آید. یک بار کیفی با چند صد دلار و درهم پیدا کردم و تحویل اداره ناحیه دادم. شش سال قبل هم یک انگشتر طلا پیدا کردم که قدیمی و قیمتی بود و تحویل اداره ناحیه دادم. خانمی که صاحب انگشتر بود، با شنیدن خبر پیدا شدن انگشترش اشک شوق می‌ریخت. یک هفته هر روز می‌آمد و تشکر می‌کرد و برایم دعا می‌کرد که یادگار مادرش را به او برگردانم.



مارادک کنید

همراه پاکبان‌ها تاره باغ رضوان می‌رویم. در مسیر، زائران خداقوت می‌گویند و بالبخند همراهی‌شان می‌کنند. غلامعلی نوروزی پاسخ‌لیخند را بالبخند می‌دهد و می‌گوید: خیلی از مردم از کنار ما که رد می‌شوند، التماس دعا می‌گویند. همین حرف خستگی را از تنمان می‌گیرد. این پاکبان جوان سری‌تکان می‌دهد و با گله می‌گوید: بیشتر افرادی که نظافت را رعایت نمی‌کنند، کسبه و مغازه‌دارها هستند. می‌بینند که کوچه را جارو زده‌ایم و گاری را هم می‌بینند، ولی زیاله‌شان را پرت می‌کنند بیرون مغازه و وقتی هم که تذکر می‌دهیم، می‌گویند وظیفه تان است که جمع کنید. نوروزی با همه سختی‌های کار در منطقه ثامن، می‌گوید: از چهارده سال پیش که از تایباد به مشهد آمدم، در منطقه ثامن بوده‌ام و این قدر عاشق کار در کنار امام رضا^(ع) هستم که نمی‌توانم جای دیگری کار کنم. ابراهیم فتح‌آبادی یکی از جوان‌هایی است که پس از یازده سال کار در منطقه ثامن، از حجم زیاد کار گله دارد و می‌گوید: ایام زیارتی که می‌شود، حجم کار سرسام‌آور است. ما هم درک می‌کنیم که باید خیابان‌ها برای زائران تمیز باشد و بی‌وقفه کار می‌کنیم، اما توقع داریم بعد از روزهای شلوغی، مسئولان هم مارادک کنند.

ناجی بچه‌های گم شده

صحبت از پیدا کردن وسایل زائران که می‌شود، علی اصغر غدیری می‌گوید: چند بار پیش آمده است که بچه‌های کوچک را پیدا کرده‌ام و برده‌ام به کانکس کلانتری، اما یک بار بچه شش‌ساله‌ای را دیدم که در خیابان سرگردان بود و گریه می‌کرد. از کلانتری هم می‌ترسید و بردم به دفتر پیدا شدگان حرم سپردمش. غدیری بیست سال است که در خدمات شهری منطقه ثامن کار می‌کند و با زائران زیادی روبه‌رو شده است. این پاکبان قدیمی می‌گوید: خانم‌های سال خورده هم هستند که گم می‌شوند. چون خیلی از خانه‌ها و کوچه‌ها خراب شده است، الان کمتر پیش می‌آید. اما قدیم در کوچه‌های پیچ در پیچ به جز مسافران، مشهدی‌هایی که اهل این محله‌ها نبودند هم گم می‌شدند. غدیری جزو پاکبان‌هایی است که در سال‌های قبل برای کمک در روزهای اربعین به عراق هم رفته است. می‌گوید: من رفته‌ام نجف و کربلا برای کمک، ولی این‌جادر محدوده حرم مدیران حساس هستند که نظافت کامل برقرار باشد و خیلی سخت می‌گیرند.

سخت اما پربرکت

در میان پاکبان‌های جوان، مجید صفایی که یازده سال قبل از منطقه ۹ به اطراف حرم آمده و کار در مناطق دیگر را هم تجربه کرده است، با وجود سنگینی کار می‌گوید: در منطقه ثامن کار سخت‌تر اما بهتر است. چون کنار حرم هستیم و مزد کارمان را از امام رضا^(ع) می‌گیریم. در میان صحبتش به زائری که مسیر را گم کرده است، آدرس می‌دهد و می‌گوید: برکت پول زحمت‌کشی، آن هم برای زوار را به روشنی می‌بینیم. حسین سبزه‌کار با خنده‌ای آرام می‌گوید: همین که صبح به صبح

می‌آییم به حضرت سلام می‌دهیم، همین که زائری در حال عبور نشانه‌مان را می‌بوسد و خداقوت می‌گوید. همین که بین روز و هنگام کار رو به حضرت می‌کنیم و عرض ارادت و راز و نیازی، بیشتر چه چیزی از خدایم خواهیم؟ وقتی می‌خواهیم عکس دسته‌جمعی بگیریم، پاکبانی که مسئول نظافت ره باغ رضوان است، می‌آید کنار همکارانش می‌ایستد تا در عکس باشد. گاری و جارویش را هم می‌آورد و خودش را این‌طور معرفی می‌کند: عباس آقا پهلوی، سه سال است در ره باغ رضوان هستم. به جز جارو زدن، صندلی‌ها و سطل‌ها را هم نظافت می‌کنم. خسته هم نمی‌شوم، چون برای زائران امام رضا جانم کار می‌کنم.

